

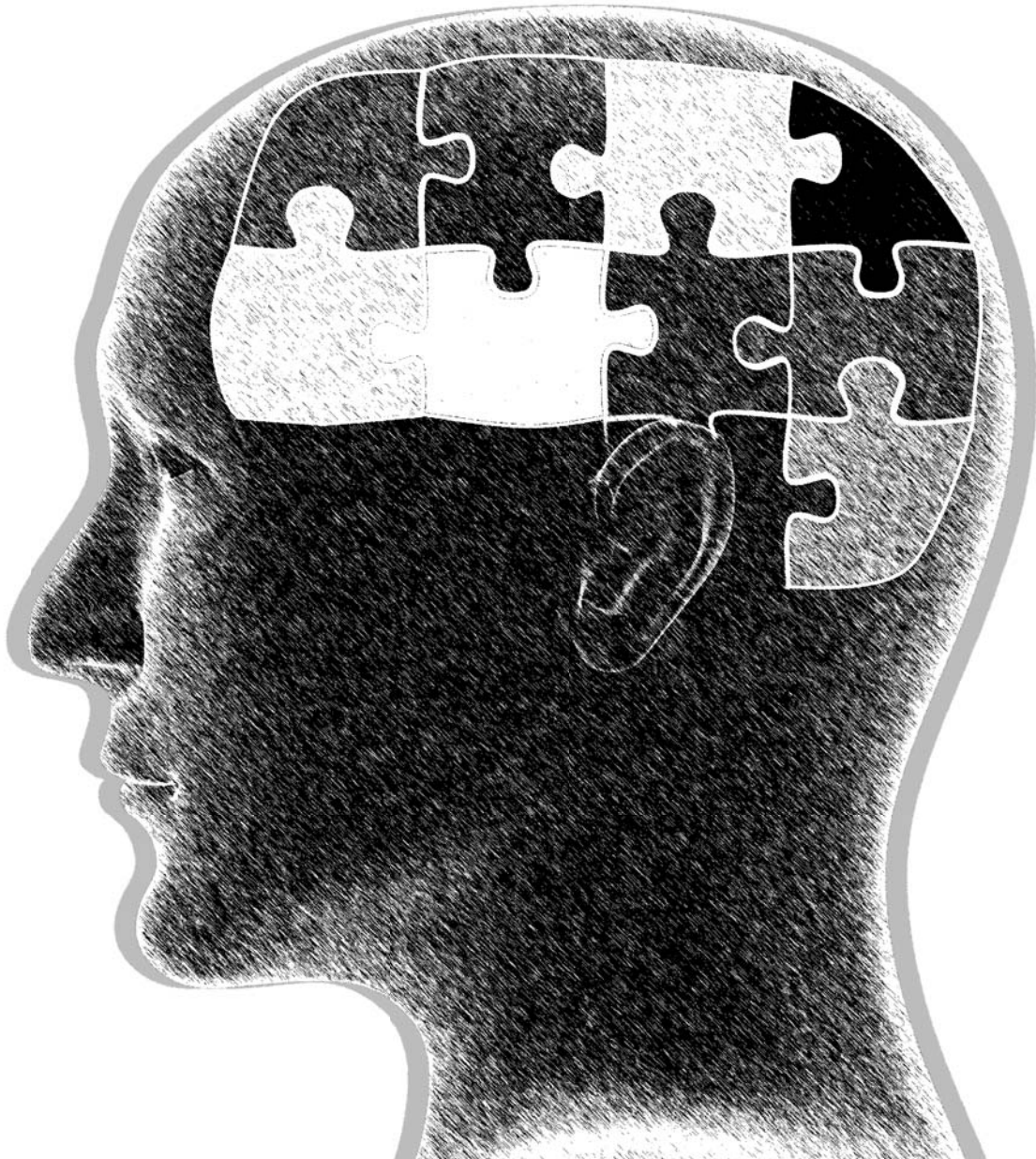
گفت وگو با حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید احمد رهنمایی

فراماسونری؛ روان‌شناسی فریب

علی اکبر عالمیان - محمد ملک‌زاده

اشاره:

یکی از مباحث بسیار مهم در موضوع فراماسونری، بحث روان‌شناسی و جایگاه آن در این جریان می‌باشد. در این فراز، فرهنگ پویا در مصاحبه‌ای با حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید احمد رهنمایی این موضوع را به بحث گذاشته است. ایشان در تبیین این موضوع از سه مبحث روان‌شناسی نمادها، بازی‌ها و فریب سخن گفته و ارتباط آن‌ها را با فراماسونری تشریح نموده‌اند.





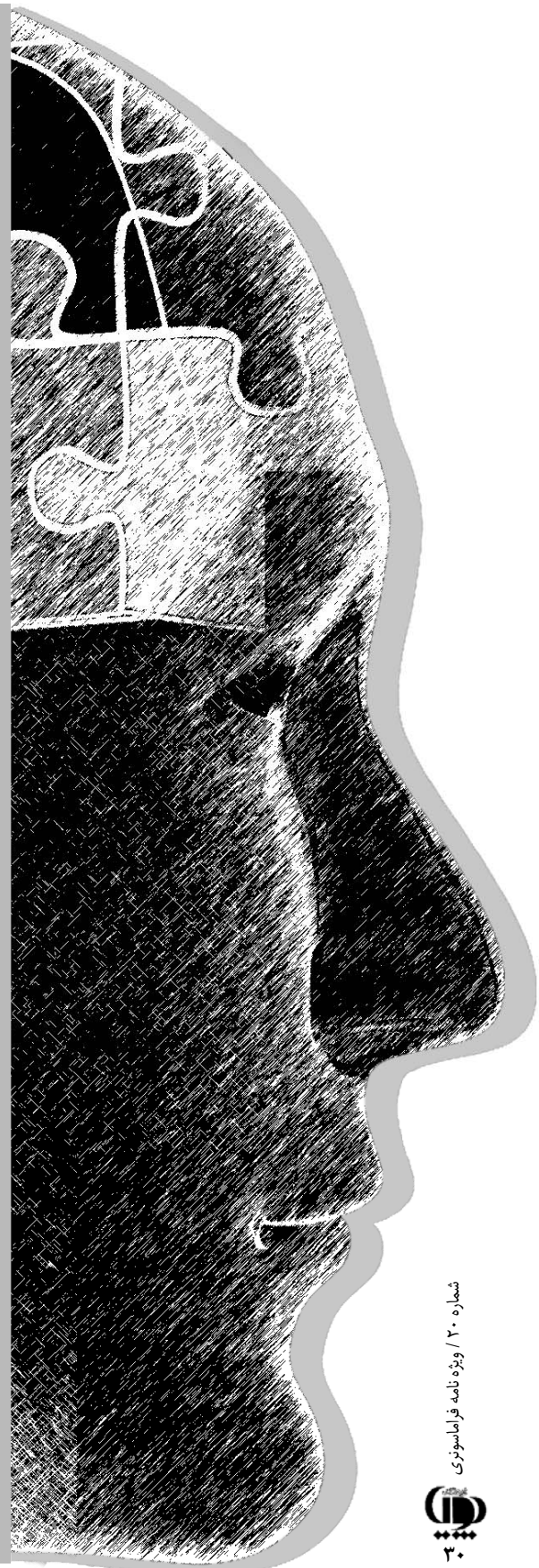
و رها از هر قید و بند وجود دارد. هدف این جریان، ساخت هویت انسان‌هاست و این را با نمادهای خاص نشان می‌دهند؛ از جمله با هرم و گونیا و پرگار، با مثلث نور افشان، با اندازه‌های مشخص هندسی، با ستون‌های خاص نمایه‌های هرمی شکل و جلوه‌های معماری پر رمز و راز که اینها هر کدام بیانگر نوعی سازندگی است. اتاق سازندگی به گونه‌ای تنظیم شده که هر فردی وقتی وارد این جریان می‌شود، بایستی بر اساس آن انگیزه‌ها ساخته شود. به عنوان مثال، در اتاق سازندگی یک اسکلت انسانی مشتمل بر یک مجموعه و یک تکه استخوان و اسکلت بدن وجود دارد که این فرد بایستی خودش را از همه چیز تهی کند تا در این اتاق معماری و سازندگی همه چیزی که کارفرمایان و معماران‌اش با او تنظیم می‌کنند، به او داده شود. حتی عنوان بنایی بیانگر این است که اینها سازنده هستند؛ سازنده انسان به آن طریقی که خودشان می‌پسندند و بر اساس آن اهداف و انگیزه‌هایی که خودشان تعریف کرده‌اند. شکل هرم، گونیا، پرگار و مثلث نورافشان؛ اینها همه از نمادهای معماری است که روان‌شناسی خاص

هنر نماد این است که به محض این که القاء می‌شود، کل آن مفاهیم را تداعی می‌کند و در مجموع هر کس از نماد استفاده بکند، بیانگر گرایش‌ها و انگیزه‌های خاصی است که نسبت به محتوای این نماد ارائه داده است.

فرهنگ پویا: با تشکر از حضرت عالی به خاطر شرکت در این گفت‌وگو. خیلی مایلیم که توضیحات حضرت عالی در مورد روان‌شناسی فراماسونری و بحث‌های پیرامون آن را بشنویم.

دکتر رهنمایی: بحث روان‌شناسی فراماسونری، بسیار مهم و در عین حال پیچیده است. فراماسونری جریانی است منسوب به گروهی خاص که خودشان را بنایان آزاد و رها از قید و بند دینی و مسلکی معرفی کردند. این نام از دو واژه «فری» به معنای آزاد و «ماسون» به معنای بنا تنظیم شده است. از همین عنوان می‌توان مسائل روان‌شناختی فراماسونری را تبیین کرد. به نظر می‌رسد که فراماسونری، روان‌شناسی نمادهاست؛ روان‌شناسی بازی با واژه‌ها و اصطلاحات است و در یک کلام روان‌شناسی فریب است. به طور خلاصه در سه موضوع است: روان‌شناسی نمادها، روان‌شناسی بازی و روان‌شناسی فریب.

در مورد نمادها، انواع و اقسام نمادهایی است که هویت فراماسونری را در بر می‌گیرد؛ از جمله نماد معماری و آنچه که مربوط به ساختار و فیزیولوژی این جریان می‌شود. همچنین نمادهای انسانی، نمادهای حیوانی، نمادهای معنوی، نمادهای قومی و بومی، نمادهای ادبی، نمادهای شیطانی و از جمله نمادهای جهانی در عرصه بین‌الملل وجود دارند. به عنوان مثال، در نماد معماری بحث ساختن و سازندگی و ساخته شدن به طور آزاد



طبعاً هیچ کسی نمی‌خواهد بگوید من در تاریکی و جهل هستم، حتی شیطان پرست هم که یک قدری با فراماسونری همگرا می‌شود، نمی‌خواهد بگوید من رو به تاریکی می‌روم؛ می‌گوید شیطان برای من مظهر نور است.

خود را دارد. وقتی که به عنوان نماد به کار گرفته می‌شود، تداعی‌گر خیلی از مفاهیم و مضامین است. نماد، بیانگر خیلی از واقعیت‌هاست. وقتی چیزی به عنوان سمبل بر یک واقعیت یا حقیقت به کار گرفته می‌شود، آن سمبل جای آن حقیقت و واقعیت را می‌گیرد. هنر نماد این است که به محض این که القاء می‌شود، کل آن مفاهیم را تداعی می‌کند و در مجموع هر کس از نماد استفاده بکند، بیانگر گرایش‌ها و انگیزه‌های خاصی است که نسبت به محتوای این نماد ارائه داده است.

فرهنگ پویا: به جز نماد معماری و ساختاری، چه نمادهای دیگری در فراماسونری مطرح است؟

دکتر رهنمایی: از جمله نماد انسانی، شعارهایی مثل آزادی، برابری و برادری است، شعار رهایی است، شعارهای اخلاقی و خیرخواهانه است. شعارهایی از این دست که جزو نمادهای انسانی است یا نماد حیوانی که به اصطلاح نماد شیطان است و یک نماد حیوانی است که وقتی به کار گرفته می‌شود، تداعی‌گر اندیشه‌ها و افکار و جریان‌های فکری فراماسونری است. اگر به خیلی از علائم فراماسونری توجه ویژه‌ای بیندازید، می‌بینید که در ترکیب‌بندی رنگ‌ها، در رنگ‌آمیزی‌ها و در اندازه‌گیری‌های خاص با یک اشکال خاص، این عنوان معنوی و نماد معنوی را بروز می‌دهند؛ به عنوان مثال، در بعضی تابلوها و علائم نوشته شده: «از ظلمت به نور، از تاریکی به روشنایی». این نماد وقتی به کار گرفته می‌شود، جاذبه‌های خاص خودش را دارد یا وقتی کسی مورد تکریم‌شان باشد، از یک عنوان معنوی «به معماران صلح» از جمله خطاب به بیل کلینتون و نتانیاهو و عبدالله پادشاه اردن یک چنین تقدیرنامه‌هایی را داده‌اند.

همچنین نماد عددی دارند، مانند عدد ۳۳ که به عنوان سلسله مراتب‌شان است و بر اساس یک سلسله توهّماتی، این نماد را توجیه می‌کنند. در کلاس درسی به صورت پاورپوینت در جمع دانشجویان بسیجی اسلایدی را نمایش می‌دادم، از قضا ۳۳ تا اسلاید بود. در پایان درس

دانشجویی پیش من آمد و گفت این ۳۳ نماد فراماسونری است. همچنین سه تا شش کنار هم ۶۶۶ یا سه تا F کنار هم نماد حرفی فراماسونری است. اینها همه جنبه روان‌شناسانه دارد. در ساختن و ساخته شدن به اینها نیاز دارند. گرچه از قالب که بگذاریم، در این میان هیچ چیز نمی‌بینیم و طبل میان تهی است. این روان‌شناسی نمادها، با دو روان‌شناسی دیگر؛ یعنی روان‌شناسی فریب و روان‌شناسی بازی پیوند می‌خورد. با این اشکال و این اعداد بازی می‌کنند تا بتوانند به راحتی افراد را جذب کنند.

فرهنگ پویا: برخی نمادهای مورد توجه فراماسونری مانند نماد معنوی، مورد تایید دین هم هست. چگونه می‌توان این دو ساحت را از هم جدا کرد؟

دکتر رهنمایی: اساساً فطرت بشر خواهان معنویت و پاکی و قدس است. حتی کسانی هم که دنبال انحراف می‌روند، می‌گویند این انحراف نیست، عین حقیقت است که ما پیش می‌گیریم و حتی کار حق‌گرایان را انحراف می‌دانند. هیچ کسی نمی‌خواهد به خودش برچسب انحراف بدهد. طبعاً هیچ کسی نمی‌خواهد بگوید من در تاریکی و جهل هستم، حتی شیطان پرست هم که یک قدری هم با فراماسونری همگرا می‌شود، نمی‌خواهد بگوید من رو به تاریکی می‌روم؛ می‌گوید شیطان برای من مظهر نور است. حتی وقتی سراغ جهنم می‌رود، می‌گوید جهنم برای من نور و حرارت است. از این حرف‌ها، خیلی از فرقه‌های باطل می‌گویند؛ مثلاً از نمادهایی مثل نور و صلح و عدالت و امثال اینها سوء استفاده می‌کنند. مثل معاویه که از نمادهای معنوی خیلی سوء استفاده می‌کرد و می‌گفت کار من عین عدالت است. او می‌گفت ما مجبوریم یک سری کارها را انجام بدهیم و اگر خلاف آن تقدیری که خدا برای ما نوشته رفتار کنیم، خلاف عدالت است. گویا عدالت به این است که او زور داشته باشد، زور بگوید و کسی هم مظلوم او باشد و این در مجموع عین عدالت است! یعنی کار خودش را عین عدالت می‌داند.

فراماسونرها به ظاهر هیچ مبارزه‌ای با دیانت انسان‌ها و قومیت یک کشور و یک ملت ندارند، بلکه به گونه‌ای عمل می‌کنند تا بدون آن‌که لطمه‌ای به حیثیت ملی و دینی فرد بخورد، خودش در این فضا قرار می‌گیرد و آرام آرام مثل موجودی که داخل اسید ذوب می‌شود، ذوب شود.

فراماسونری می‌خواهد ابرقدرت جهان باشد. آن‌ها حتی حاضرند با همه ادیان بسازند، به شرط این که مانعی سر راهشان ایجاد نشود. می‌دانند اگر به قدرت جهانی برسند، مسلمان شیعه و مسیحی را برده خود می‌کنند.

این هم اگر با روان‌شناسی بازی و فریب بیاید، معنا و مفهوم خاص خودش را برای فراماسونری پیدا می‌کند. واژه‌هایی مثل آزادی، برابری، عدالت، خیرخواهی، انسان‌دوستی، نوع‌دوستی، صلح، نورانیت و حقیقت اینها؛ در ذات خود واژه‌های جهت‌دار، با معنویت و خوب است، ولی ممکن است از آن واژه‌ها سوءاستفاده کرد. ما اگر فقط روی جنبه خاص ذاتی این واژه‌ها متمرکز بشویم، ممکن است تصور کنیم که فراماسونری‌ها هم تا حدودی اهل خیر و صلاح و تقوا و فضیلت هستند، ولی اینها جاذبه‌های بصری است یا جاذبه‌های شنیداری و یا جاذبه‌های رفتاری که ایجاد می‌کنند تا افراد و هواداران را به سمت و سوی خودشان سوق دهند.

فرهنگ پویا: واقعا با چه روشی می‌توان این دو مسئله را از هم تشخیص داد و متمایز کرد؟

دکتر رهنمایی: شخصی تحت تأثیر جریان‌ها و اشخاص قرار گرفته بود و می‌خواست حق و باطل را با اشخاص و جریان‌ها بسنجد. آقا امیرالمؤمنین (ع) هدایتش کردند و فرمودند که حق و باطل چیزی نیست که با اشخاص و جریان‌ها محک بخورد، اول بایست حق را بشناسیم تا اهلش را پیدا بکنیم و باطل را بشناسیم تا اهلش را بباییم. طبعاً معیار و ملاکی که اینجا در نظر می‌گیریم، حداقل برای کسانی که طالب حقیقت هستند، مفید است. کسی که واقعا می‌خواهد حقیقت را بیابد، اول باید برایش تبیین کنیم که حقیقت چیست. این نورانیتی که گفته می‌شود ما از ظلمت به نورانیت می‌بریم، منظور چیست؟ آیا واقعا با آن نورانیتی که حق است تطبیق دارد؟ اگر واقعا خودش یک ظلمت است، طبعاً می‌توانیم با قاطعیت تمام آن را رد کنیم. اینجا ما نیاز به یک محک بیرونی داریم.

فرهنگ پویا: زمینه‌های روان‌شناسانه نفوذ فراماسونری در ایران را چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

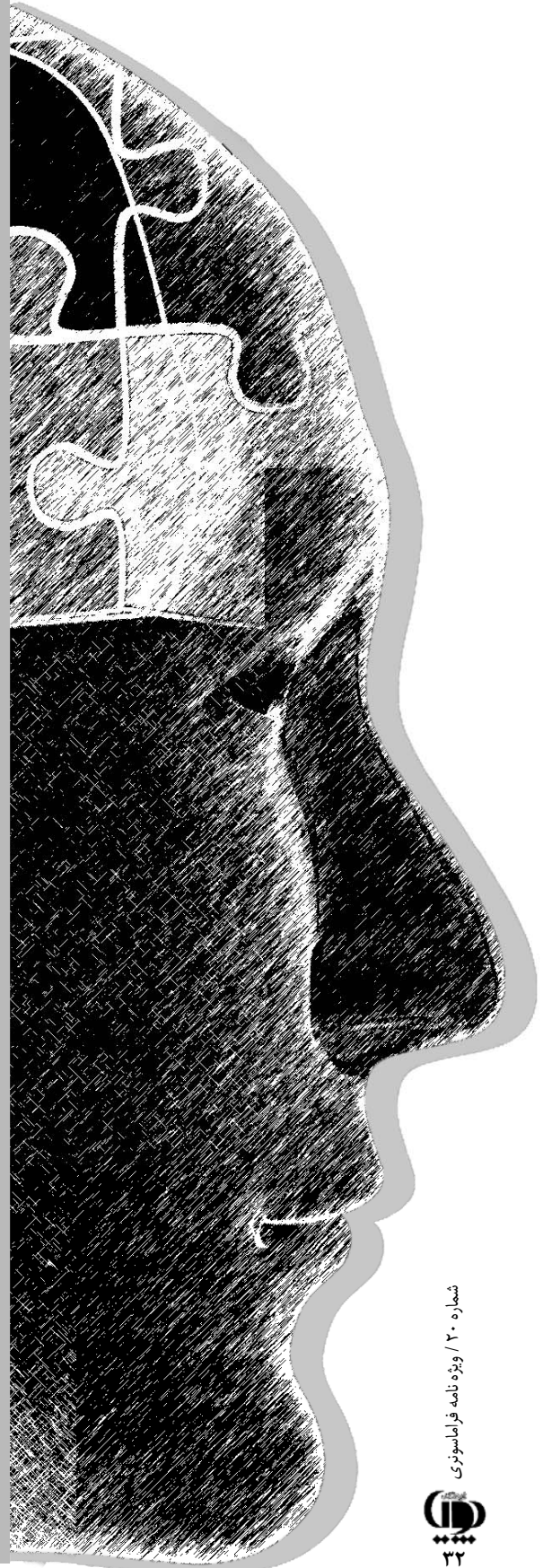
دکتر رهنمایی: سابقه فراماسونری در ایران با کشورهای اسلامی، به ۱۵۰-۱۶۰ سال قبل یا کمی قبل‌تر برمی‌گردد. آن‌ها

مستقیماً با دیانت و قومیت و ملیت ایرانی مبارزه نمی‌کنند، بلکه برنامه خود را در همین زمینه قرار می‌دهند. به ظاهر هیچ مبارزه‌ای با دیانت انسان‌ها و قومیت یک کشور و یک ملت ندارند، بلکه به گونه‌ای عمل می‌کنند تا بدون آن‌که لطمه‌ای به حیثیت ملی و دینی فرد بخورد، خودش در این فضا قرار می‌گیرد و آرام آرام مثل موجودی که داخل اسید ذوب می‌شود، ذوب شود.

در روان‌شناسی بازی کاری می‌کنند که داخل خود معرکه، فرد در فضایی قیف مانند قرار می‌گیرد که دهانه این قیف خیلی گشاد است، اما انتهای آن خیلی باریک می‌شود. وقتی دهانه را می‌بینیم، تصور می‌کنیم همه چیز موجود و هم‌رنگ محیط است؛ از امام حسین، از اذان، از نماز و از مقدسات دینی گفته می‌شود. این دهانه گشاد قیف است که سنی، شیعه، زرتشتی، بهایی و دیگران را شامل می‌شود و همه آرام آرام ذوب این جریان می‌شوند. این کار روان‌شناسانه‌ای است که با حربه روان‌شناسی بازی، عرصه‌ای را به نفع خودشان تصاحب و مصادره می‌کنند. در این جا مصادره کردن اندیشه، فکر و نمادها اتفاق می‌افتد. حتی ممکن است یک طرح اسلامی را به کار ببندند و نماد دینی و نماد شیعی هم اضافه کنند. به همین دلیل نمادهای فراماسونری خیلی درهم و پر رمز و راز است؛ مثلاً یک اسکناکس یک دلاری خیلی پر رمز و راز است. تصاحب ستاره، تصاحب چشم، تصاحب مثلث نورافشان، مصادره نور و مصادره برابری امور خیرخواهانه؛ برای این است که بتوانند افرادی که در هر وادی هستند، زیر یک پرچم قرار بگیرند. فراماسونرها این گونه بازی می‌کنند.

در ترکیه با نمادهای ملی ترکیه، در عراق با نمادهای ملی عراق و در ایران با نمادهای ملی ایران بازی می‌کنند و به طور کلی در خیلی از جاها با نمادهای ملی مذهبی اقوام و ملت‌ها بازی می‌کنند. اینها به همین صورت پرچمی ایجاد می‌کنند که مورد توجه‌شان است. در ایران، فراماسونرها تابلوهایی زدند که مثلاً سردرهای قوسی

وقتی فرد مطیع آن‌ها شد، عضو فراماسونری می‌شود، اما اول که به لژهای عالی ۳۳ مرتبه نمی‌رسد. یکی پس از دیگری طی می‌شود تا به فراماسونری و لژ اعظم برسد. باز این یک بازی با نمادها و فریب‌کاری خاصی است.



شکل و علامت محرابی شکل با طرح‌های اسلامی مانند کاشی‌کاری‌های مذهبی در آن گنجانده شده است. حتی از شعارهایی مانند «ما به خدا اعتماد می‌کنیم» و «ما بر خدا توکل می‌کنیم» استفاده می‌کنند تا جاذبه‌های مذهبی ایجاد کنند. به همین دلیل توانستند بعضی از روحانیون را هم جذب خود کنند. این‌ها را می‌نویسند تا همه را بازی بدهند. می‌گویند شما فراماسونر ایرانی یا فراماسونر ترکیه‌ای یا فراماسونر هندی شده‌اید و ملیت شما هم محفوظ مانده است.

فرهنگ پویا: ارتباط جریان انحرافی جدید با جریان فراماسونری چیست و ارائه «تز مکتب ایرانی» با چه اهدافی قابل ارزیابی است؟

دکتر رهنمایی: مباحثی همچون مکتب ایرانی و حتی موسیقی سنتی هم در همین راستا قابل ارزیابی است. منشور کوروش هم در همین ارتباط مطرح می‌شود. البته ما نمی‌خواهیم به این نمادها توهین کنیم و از آن‌ها خرده بگیریم؛ زیرا معتقدیم به هر حال اینها نماد و میراث فرهنگی ایران است. ملتی استوار می‌ماند که میراث فرهنگی‌اش را استوار نگه دارد. حضرت امام (ره) با رهبری بسیار هوشمندانه‌شان حتی اجازه ندادند کاخ‌های سلطنتی تخریب بشود. وقتی شنیدیم که در لیبی نمادهای ملی و فرهنگی از جمله کاخ‌های قذافی توسط انقلابیون تخریب شد، خیلی نگران شدیم؛ زیرا نمادهای ملی و میراث فرهنگی لیبی را نابود کردند. اینها حق یا ناحق باید بماند تا قاموس فرهنگ یک ملت ثبت شود و معلوم شود عده‌ای بودند ظالمانه از خون دل مردم سوء استفاده کردند. اگر این آثار خراب شود، با هزاران هزار دفتر نمی‌توان این موضوع را نشان داد. ما سنگ‌های برافراشته آنچنانی را باید نشان دهیم که چه جسم‌های ضعیفی زیر این سنگ‌ها له شد تا این سنگ‌ها برافراشته شود. معنای سخن مولا امیرالمؤمنین (ع) را با این میراث می‌توان فهمید که فرمود: کاخی بلند و برافراشته نشد، مگر این که کوخ‌هایی خراب شد و انسان‌هایی ضعیف، نابود شدند. اینها را با این میراث می‌توان نشان داد. از آن طرف فرهنگ عدالت را می‌توان با مقایسه با این فرهنگ ظلم نشان داد. ما مسند امام را در جماران نشان می‌دهیم و کاخ سعدآباد را هم نشان می‌دهیم. در این قسمت مسند امام جلوه پیدا می‌کند، در حالی که اگر ما

تخریب کرده بودیم، جلوه نمی‌یافت...
فرهنگ پویا: ستیز فراماسونری با دین و فرهنگ یک ملت چگونه است؟

دکتر رهنمایی: در این‌جا باید به حلقه مفقوده‌ای اشاره کنیم که اگر در نظر گرفته نشود، معنای مبارزه و ستیزه‌جویی با دین و دیانت در فراماسونری را نمی‌توان فهمید. در فراماسونری، مبارزه با دین و فرهنگ و ملیت و قومیت وجود دارد و اختصاص به دین اسلام هم ندارد؛ بلکه فراماسونرها با دین مسیح، با همه دین یهود و با همه ادیان دست‌ساز بشر هم مبارزه دارند. اینها تابع یک هدف مهمتری هستند که نباید مغفول بماند؛ چون اگر از آن غفلت کردیم، در حالی که ما را درگیر مبارزات‌شان می‌کنند، کار خودشان را انجام می‌دهند و پیش می‌برند.

کسانی گرفتار می‌شوند که ضعیف‌الایزما هستند؛ یعنی کسی که نسبت به اعتقاداتش تا حدودی پابرجاست، اما نسبت به لوازم اعتقاداتش ضعیف است. در نمازش سستی می‌کند، اول وقت نمی‌خواند یا به اصل خواندن اهمیت نمی‌دهد.

هدف نهایی فراماسونری، میل به قدرت جهانی است. فراماسونری می‌خواهد ابرقدرت جهان باشد. می‌خواهد حرف اول را در جهان بزند. او می‌خواهد جایگاه اول در جهان را تصاحب کند. باید در نظر داشت کسی که با این نمادها و شعارها حرکت می‌کند، هدفش فقط تصاحب یک دین و مبارزه با یک دین خاص نیست. آن‌ها حتی حاضرند با همه ادیان بسازند، به شرط این که مانعی سر راهشان ایجاد نشود. می‌دانند اگر به قدرت جهانی برسند، مسلمان شیعه و مسیحی را برده خود می‌کنند. این‌ها در تصاویرشان هم دیده می‌شود. یکی از تصاویر و نمادهای حیوانی لمب (Lamb) یعنی گوسفند است؛ بره‌ای که فقط بایست نشخوار کند و غذا بخورد تا پروار شود و بعد او را بکشند. این‌ها می‌خواهند به آن قدرت برسند. این هم روان‌شناسی خاص خود را دارد. آن قدر بازی و فریب‌کاری می‌کنند تا به نیت خود برسند؛ مثلاً با من مسلمان و روحانی مماشات می‌کنند. حتی حاضرند نماد روحانیت را تن کنند و به ظاهر روحانی شوند و ادعا کنند که روحانیون هم عضو ما هستند. شعائر اسلامی را رعایت می‌کنند، اذان می‌گویند و نماز

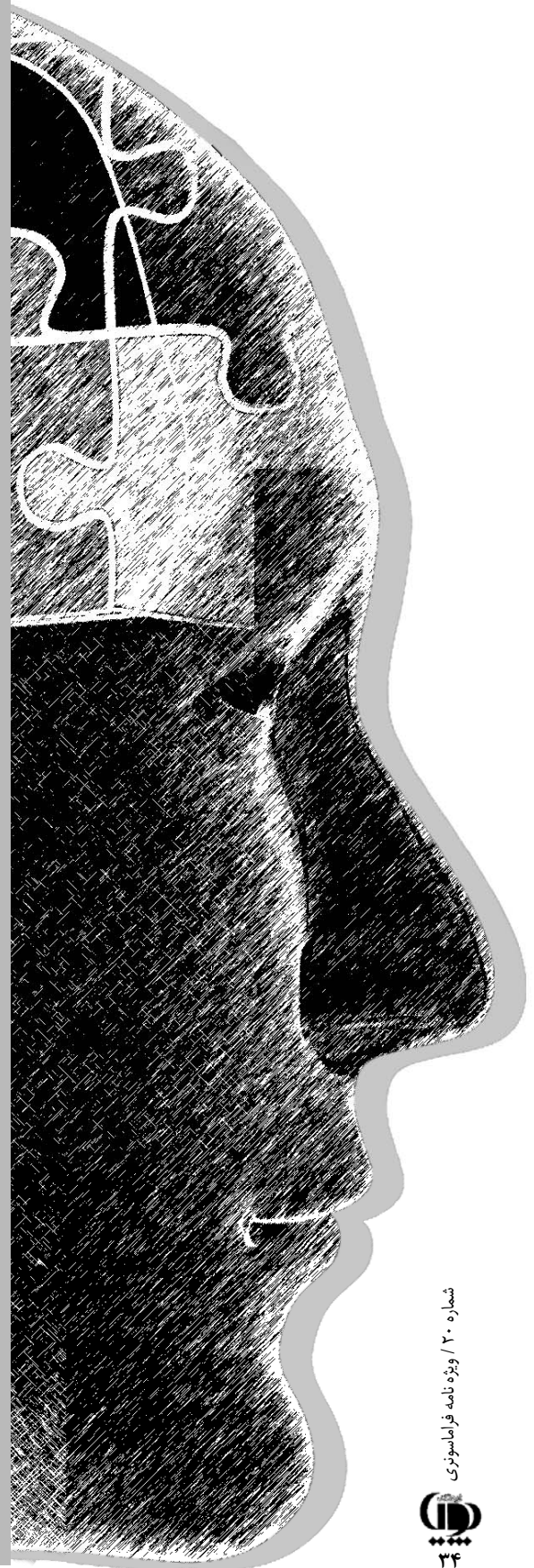
اگر مبلغ و مروج دینی هستیم و واقعاً دغدغه دین داریم، احساس و التزام و اعتقاد دینی داریم؛ باید در برابر این سناریو جوان‌ها را بیمه کنیم. بعضی از ما مروجین، فقط به ترویج اعتقادات اقدام می‌کنیم و کاری به التزامات نداریم.

می‌خوانند؛ اما همه اینها ابزار و حلقاتی است که می‌خواهد آن‌ها را به مقصد اصلی برساند. این حلقات به هم پیوسته است. نماد آن‌ها ساختار هرمی شکلی است که با اشکال خاص طبیعی و هندسی نشان داده می‌شود. ستاره و ماه و خورشید در اوج است، نورافشانی از بالا است. همه این نمادها حالت ارتقایی و تعالی دارد و بالا را نشان می‌دهد. تنها نمادی که پایین را نشان می‌دهد، نماد گاو و گوسفند و بز است که نماد انسان‌های ضعیف است، نماد تاریکی است که این‌ها به سمت بالا نگاه می‌کنند. این یک روان‌شناسی خاص خود را دارد. از همه ابرقدرت‌ها فریبده‌تر، کارکشته‌تر و ماهرانه‌تر کار می‌کنند تا به این معنا برسند؛ لذا مبارزه با دین هم اگر باشد، به وقت خودش می‌باشد. یک وقتی هم با دین مماشات دارند و حتی ممکن است پول بدهند تا دین تقویت بشود. اسلام ناب آمریکایی و اسلام وهابیت را تقویت می‌کنند؛ لذا این رمز و رازش همین است که مبارزه با دین برای آن‌ها اصل نیست. حاضرند با همه ادیان کنار بیایند. پلورالیزم این را می‌گوید. شعار پلورالیزم از نهاد فراماسونری درمی‌آید. قرائت‌های گوناگون، حق‌های متکثر و صراط‌های مستقیم گوناگون، از نهاد فراماسونری سر می‌زند؛ اما وقتی به اوج رسیدند، یک قرائت بیشتر حاکم نیست، یک دید بیشتر نیست، یک چشم بیشتر نیست. جهان را بایست با یک چشم دید؛ آن هم چشم فراماسونری؛ لذا در این جریان از شیطان پرست تا خداپرست موحد وجود دارد.

فرهنگ پویا: ابزار تبلیغاتی فراماسونرها چیست؟
دکتر رهنمایی: مسائلی وجود دارد که نشان می‌دهد اینها چگونه با ترکیب نمادها، اقدام به استفاده از ابزار تبلیغاتی می‌کنند. در مجموع از روان‌شناسی بازی و فریب استفاده می‌کنند؛ چون هر بازی که فریب نیست. بعضی بازی‌ها بازی گرفتن دیگران است. به عبارتی درویش کردن دیگران است. با یک چشم‌بندی خاصی فریب می‌دهند؛ مثلاً یک اسکناس یک دلاری را در نظر بگیرید. مشهور است

که این اسکناس اصلاً تابلوی فراماسونری است. در آن، مثلث رده‌بندی شده در ۳۳ مرتبه و قاعده و رأس هرم و چشم جهان‌بین و مثلث نورافشان مشاهده می‌شود. می‌نویسند ما به خدا توکل یا اعتماد می‌کنیم؛ به تعبیر خودمان «توکل علی الله»! در این جا به ظاهر از موضوعی دینی استفاده شده است، اما نباید تصور کنیم که اینها خدایی و الهی فکر می‌کنند. یکی از سردمداران نظریه‌پرداز غرب و آمریکا در قرن اخیر آقای جان لیری است که اتفاقاً در حوزه تعلیم و تربیت؛ روان‌شناس و فیلسوف برجسته تعلیم و تربیت است. او مسائل مختلفی از جمله تفسیری در مورد خدا دارد. تفسیر آزادی که الان مورد استفاده فراماسون‌ها قرار دارد. این‌ها می‌گویند ما اعتقاد به خدا و دین داریم. در دین ما هم اعتقاد به خدا اصل است، اما این خدا چه کسی است؟ گاد (God) را ترجمه می‌کنند و می‌گویند گاد یعنی خوب و ایده‌آل؛ یعنی خوب آرمانی. هر چه که خوب و آرمانی است. اگر ما به این تفسیر توجه کنیم، چیزی جز یک روان‌شناسی فریب از آن به دست نمی‌آید. بازی با نمادها برای فریب انسان‌هاست؛ لذا آن کسی که دینی و مذهبی فکر می‌کند، از این گاد (God) همان خدای آسمانی را در نظر می‌گیرد، کسی که سکولار یا لائیک است می‌گوید این گاد همان گادی است که آقای جان لیری تفسیر کرده؛ یعنی خوب آرمانی، پس تقدس دارد. این‌ها تفسیرهای خاصی برای به دام انداختن افراد ارائه می‌دهند.

فرهنگ پویا: یعنی آنان در لفافه توحید، در واقع به ضد توحید می‌پردازند؟
دکتر رهنمایی: بله، کاملاً اما به گونه‌ای تفسیر می‌کنند که از آن جز بذر شرک و چندگانه‌پرستی به دست نمی‌آید. هر فردی یک خوب آرمانی دارد. هر فردی در هر لحظه یک خوب آرمانی دارد. خوب آرمانی امروز با فردا فرق می‌کند. در این صورت خدای آفریدگار، خدای آفریده شده می‌شود و خدای خالق، خدای مخلوق می‌شود. خدای نازل کننده وحی، خدای تنزل یافته می‌شود و این خدایی است که ذهن ساخته و ذهن پرورده انسان است. این یک نوع فریب است. وقتی فرد مطیع آن‌ها شد، عضو فراماسونری می‌شود، اما اول که به لژهای عالی ۳۳ مرتبه نمی‌رسد. یکی پس از دیگری طی می‌شود تا به فراماسونری و لژ اعظم برسد.



باز این یک بازی با نمادها و فریب‌کاری خاصی است.

فرهنگ پویا: افرادی که جذب فراماسونری می‌شوند، دارای چه ویژگی‌هایی می‌باشند؟
دکتر رهنمایی: آن‌هایی که مجذوب این جریان می‌شوند، در مجموع ویژگی‌های شخصیتی خاصی دارند. البته به طور کلی همه آن‌ها از ناحیه اعتقادی ضعیف‌اند. برخی از آن‌ها در احساس معنوی و احساس ایمانی ضعیف‌اند. این افراد طبقات مختلفی دارند. طبیعی است روان‌شناسی این افراد، آن‌ها را پیرو هر جریان و هر میل و هوایی می‌کند. وقتی اعتقادات ضعیف شد، انسان گوساله را به خدایی باور می‌کند. به هر حال فطرت پرستش در وجود انسان است. یکی از گرایش‌های فطری ما، میل به پرستش است؛ اما در جهت تشخیص مصداق، ضعیف است. در تشخیص مصداق، گوساله را به عنوان خدایی می‌پذیرد و گاو را پرستش می‌کند. این آدم آسیب‌پذیر می‌شود.

فرهنگ پویا: شیوه‌های فریب فراماسونرها نسبت به طبقات مختلف چگونه است؟
دکتر رهنمایی: فراماسونرها با باورهای انسان‌های ضعیف کار می‌کنند و اهداف خود را در باور شخص می‌گنجانند؛ مثلاً هر چه ستاره هست، نماد فراماسونری است. از نماد ستاره یا عدد استفاده می‌کنند. زمانی بهایی‌ها در ایران این کار را می‌کردند. آن‌ها از یک سری نمادهای برجسته چشم‌نواز که جاذبه‌های بصری داشت یا نمادهای گوش‌نواز که جاذبه‌های شنیداری داشت، استفاده می‌کردند؛ به گونه‌ای که سایه‌شان همه جا باشد. آن‌ها کاری می‌کنند که هر کسی که ضعیف‌الایمان است، تصور کند فراماسونری همه جا هست. سعی می‌کنند از بهترین نمادها و منظم‌ترین اشکال هندسی استفاده کنند که جوان کم‌تجربه ما تصور کند هر کجا نفس می‌کشد و هر کجا می‌رود، در حیطه فراماسونری است. جوان وقتی تصویر کتاب را نگاه می‌کند، می‌گوید این کتاب در مورد توحید نوشته شده، ولی در واقع در این کتاب گرایش فراماسونری نفوذ کرده است. طرح هرمی را هر جا ببیند، هر نماد مخصوص فراماسونری را ببیند، بگوید این فراماسونری است. افرادی که ایمانشان ضعیف است، این‌گونه تحت تأثیر این جو قرار می‌گیرند. چه بسا با یک نماد یا یک شعار فریفته می‌شوند.

گروه دوم کسانی هستند که ضعیف‌الایمان‌اند. این‌ها هم تحت تأثیر این جو قرار می‌گیرند. فردی می‌گوید من مسیحی شدم، اما خیال نکنید اعتقاد به خدا و پیامبر و ائمه ندارم، من عاشق حضرت ابوالفضل، عاشق کرب و بلایم! پس چه شد شیفته مسیحیت شدی؟ می‌گوید یک کشیش مسیحی بود به من وعده داد که دخترش را به عقد من در بیاورد؛ یعنی یک سری جاذبه‌های عملی و رفتاری برای او ایجاد می‌کنند. فراماسونری به آن جوانی که ضعیف‌الایمان است، می‌گوید اعتقادات سر جای خود محفوظ است، حتی نمازش را هم می‌خواند، ولی می‌گوید نماز به جای خود، خدا به جای خود، این برنامه‌ها هم به جای خود! جاذبه‌های خاصی که در بعضی از بازی‌ها و بعضی از فیلم‌ها و بعضی از ورزش‌ها تنظیم شده، به گونه‌ای است که جوان را مجذوب می‌کند و بشر را به سمت و سوی آن جریانی که آن‌ها دلخواهشان هست سوق می‌دهد. جوان را آرام آرام به سوی فراماسونری می‌کشاند و کم‌کم به جایی می‌رسد که نباید می‌رفت. کسانی گرفتار می‌شوند که ضعیف‌الایمان هستند؛ یعنی کسی که نسبت به اعتقاداتش تا حدودی پابرجاست، اما نسبت به لوازم اعتقاداتش ضعیف است. در نمازش سستی می‌کند، اول وقت نمی‌خواند یا به اصل خواندن اهمیت نمی‌دهد. به روزه گرفتن اهمیت نمی‌دهد. اینها زود در این دهانه قیف قرار می‌گیرند.

در روان‌شناسی تبلیغ گفته می‌شود وقتی می‌خواهی دین را تبلیغ کنی یا هر چیز دیگر را حتی یک کالا را که می‌خواهی تبلیغ کنی، اول باید باور فرد را بالا ببری، بعد اقدام عملی را برانگیزی که بر اساس آن باور عمل کند، بعد حس‌اش را به او بدهی.

یک سلسله فریب‌کاری‌های دیگری هم برای اینها وجود دارد؛ از جمله رابطه و دوستی دختر و پسر و یا یک سلسله محافل احیاناً عرفانی که جنبه‌های اعتقادی‌اش را اشیاع کند و جایگزین واجباتش بشود؛ مثلاً گاهی کارهای خیری انجام می‌دهند، پولی را بابت جهیزیه یک دختر فقیر می‌دهند؛ اما خمس نمی‌دهند، زکات نمی‌دهند و ... از جمله مثال‌های روان‌شناسی فریب، عروسکی است که داخلش بمب گذاری شده است. بچه ظاهر آن را می‌بیند که عروسک است، اما وقتی

بخواند تا برایش نهادینه شود و از نماز لذت ببرد و ما به او این حس را نمی‌دهیم. این‌گونه است که برخی به خدا و قیامت، به قبر و حساب و کتاب باور دارند، اما اعمال دینی را انجام نمی‌دهند؛ چون ایشان حس دینی ندارند. آن حسی که انسان را برمی‌انگیزاند، صبح انسان را از خواب شیرین بیدار می‌کند، انگیزه لازم را در او ایجاد می‌کند که برود وضو بگیرد و نماز بخواند؛ آن حس ایجاد نمی‌شود. ما باید هر سه جنبه را در نظر بگیریم.

ما باید طبقه‌ای را که تحت تأثیر آن‌هاست تقویت کنیم، اندیشه‌های دینی را با التزامات عملی و با احساسات مذهبی در وجودشان نهادینه کنیم تا وقتی با جریان انحرافی مواجه می‌شوند، حداقل در قلب او را انکار کنند.

این سه جنبه مربوط به روان‌شناسی تبلیغ می‌شود. در روان‌شناسی تبلیغ گفته می‌شود وقتی می‌خواهی دین را تبلیغ کنی یا هر چیز دیگر را حتی یک کالا را که می‌خواهی تبلیغ کنی، اول باید باور فرد را بالا ببری، بعد اقدام عملی را برانگیزی که بر اساس آن باور عمل کند، بعد حس‌اش را به او بدهی. حالا اگر کالا را خرید، از خرید این کالا لذت ببرد تا دوستانش را هم تشویق کند. پس بایستی در تبلیغات هر سه مجموعه را در نظر بگیریم. توجه داشته باشیم که اعتقادات ریشه است، التزام تنه است و حس چاشنی همه این مسائل است. حس و روحیه باید همه جا باشد؛ نسبت به هر موضوعی و هر موردی. از قضا فراماسونری‌ها در رده بالا با روان‌شناسی نمادها، بازی و فریب اقدام می‌کنند تا در این سه ناحیه اگر آدم ضعیفی پیدا کردند، آن را جذب کنند.

فرهنگ پویا: به روان‌شناسی تبلیغ اشاره نمودید. یک مبلّغ برای مقابله با این جریان، علاوه بر روان‌شناسی تبلیغ، به چه وسایل دیگری باید مجهز باشد؟

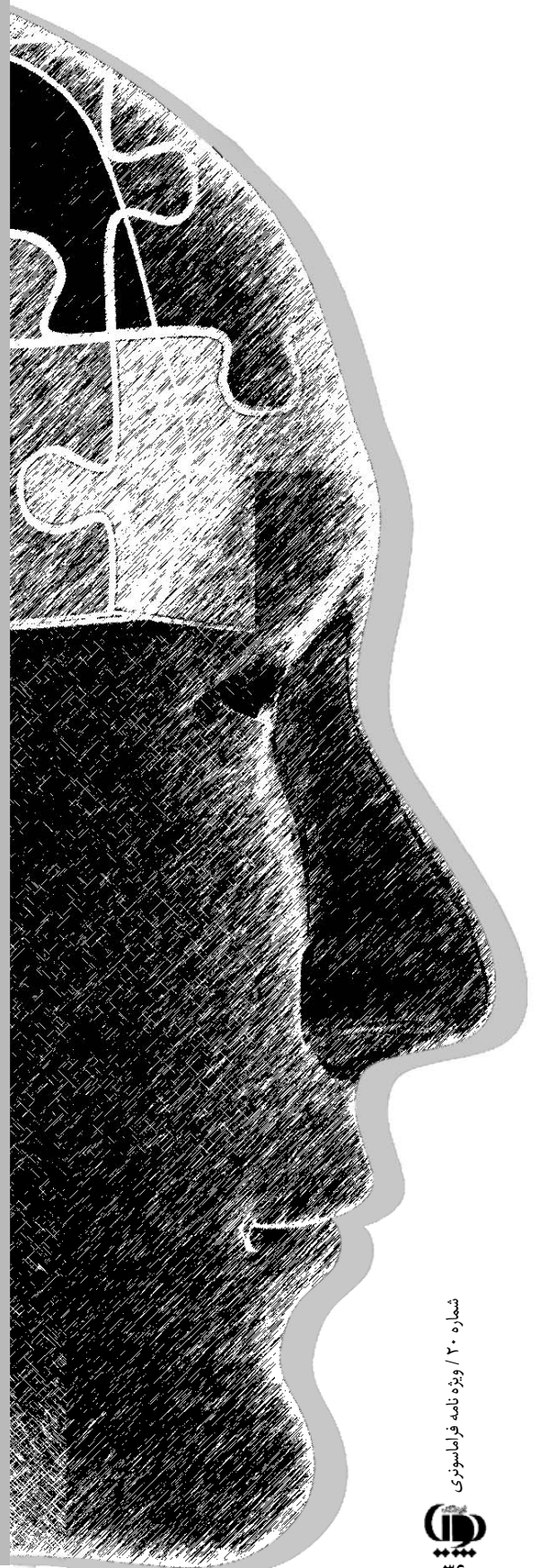
دکتر رهنمایی: این را کلاً بایستی در نظر بگیریم که بحث ارتباطات انسانی خیلی دامنه‌دار است. مبلّغ باید هم روان‌شناسی تبلیغ بداند، هم روان‌شناسی ارتباطات و هم روان‌شناسی اجتماعی. چون بحث این سه روان‌شناسی، بحث تأثیر و تأثیرگذاری است. مبلّغ باید از مباحث مربوط به نفوذ فرد در فرد، نفوذ فرد در جامعه، نفوذ جامعه در فرد و نفوذ جامعه در جامعه اطلاع داشته باشد؛ اما برخی از ما متأسفانه از آن غافلیم. چون بحث

با آن بازی می‌کند، منفجر می‌شود. گروه سوم ضعیف‌الاحساس هستند. این‌ها کسانی هستند که ممکن است از جنبه اعتقادی یا از جنبه التزام عملی، حد نصاب لازم را داشته باشند، فرایض‌شان را انجام بدهند، از محرمات پرهیز کنند و به زعم خودشان اعتقاداتشان پا برجاست؛ اما نسبت به مسائل دینی ضعیف‌الاحساس هستند. اگر بخواهیم برای این مورد مثالی بزنیم، مثل پدری است که مخارج بچه‌اش را می‌پردازد. قبول دارد که او بچه‌اش است و هزینه تحصیل و زندگی‌اش را می‌پردازد، اما در مقام ابراز عاطفه به این فرزند، ضعیف برخورد می‌کند. آن حس پدری را ابراز نمی‌کند و یا مثلاً فردی مؤمن است و وضع ظاهر و التزام عملی‌اش خوب و مناسب است، اما وقتی در جلسه عروسی‌ای قرار می‌گیرد که کارهای هجو انجام می‌دهند و از کنسرت و موسیقی استفاده می‌شود، او اهمیت نمی‌دهد و راحت نشسته تماشا می‌کند و لذت هم می‌برد. حتی اگر هم به او پیشنهاد کاری بدهند، همراهی هم می‌کند. در صورتی که نمازش را اول وقت خوانده و اعتقاداتش پابرجاست. اینها ضعیف‌الاحساس‌اند؛ یعنی در برابر گناه، حس خاصی به آن‌ها دست نمی‌دهد. وقتی می‌بینند به دین لطمه می‌خورد، برانگیخته نمی‌شوند یا مانند خانمی که بدحجاب است، اما نمازش را هم می‌خواند، زیارت‌اش را هم می‌رود و ...

فرهنگ پویا: وظیفه ما در برابر این جریان چیست؟

دکتر رهنمایی: اگر مبلّغ و مروج دینی هستیم و واقعا دغدغه دین داریم، احساس و التزام و اعتقاد دینی داریم؛ باید در برابر این سناریو جوان‌ها را بیمه کنیم. بعضی از ما مروجین، فقط به ترویج اعتقادات اقدام می‌کنیم و کاری به التزامات نداریم؛ مثل کسی که بچه‌اش را دوست دارد، اما اگر نماز صبح‌اش قضا بشود، اهمیت نمی‌دهد و هیچ وقت پرس‌وجو نمی‌کند و نمی‌گوید بچه جان شما به تکلیف رسیدید، دخترم! پسر! نمازت را خواندی یا نخواندی، ولی می‌خواهد اعتقاداتش پابرجا باشد.

بعضی وقت‌ها هم، به احساس دینی کاری نداریم؛ مثل معلمی در دبیرستان، بیش دینی درس می‌دهیم و از جهت اعتقادی و الزامی توجیه می‌کنیم؛ اما این جوان ما که می‌خواهد نماز بخواند، باید با حس نماز



من روان‌شناسی بود، راهکار روان‌شناسانه ارائه نمودم. روحانیت بایستی کاملاً نسبت به اصول روان‌شناسی آشنا باشد و درست در موضع خودش استفاده کند. من همیشه می‌گویم روان‌شناسی، ادبیات و منطق سه علمی است که انسان‌ها نمی‌توانند به آن‌ها بی‌توجه باشند. وقتی ما با یک فرد روستایی عامی محض صحبت می‌کنیم، باید بر اساس قواعد دستور زبانی او صحبت کنیم والا تفهیم و تفاهم ایجاد نمی‌شود. جریان‌های انحرافی مثل فراماسونری از این وسایل خیلی بهره می‌گیرند. ببینید آن‌ها از اینترنت، فضاهای مجازی، فیس بوک و ... چقدر سوء استفاده می‌کنند؛ در حالی که درصد بهره‌برداری ما از این وسایل اندک است. ما باید طبقه‌ای را که تحت تأثیر آن‌هاست تقویت کنیم، اندیشه‌های دینی را با التزامات عملی و با احساسات مذهبی در وجودشان نهادینه کنیم تا وقتی با جریان انحرافی مواجه می‌شوند، حداقل در قلب او را انکار کنند. اگر نمی‌توانند به زبان چیزی بگویند، اگر نمی‌توانند با عمل منکر بشوند و اقدام عملی انجام دهند، حداقل در قلب انکار کنند. امر به معروف و نهی از منکر همین است. اینکه انسان قلباً از کار خوب خوشش بیاید، قلباً از کار بد بدش بیاید. این حداقلش است؛ یعنی همان حسی که ما می‌گوییم. پس این حسی است که روان‌شناسی می‌گوید این حس حداقل در او ایجاد بشود که تن به هر کاری ندهد.

فرهنگ پویا: در انتهای این گفت‌وگو اگر نکته‌ای به ویژه در برخورد با جریانات انحرافی پیرامون ما باقی مانده است، بیان فرمایید.

خداوند به ستاره قسم خورده است. ما نباید بگوییم چون این، نماد فلان جریان انحرافی است، پس باید از این نماد استفاده نکنیم؛ نه این طور نیست. ما نباید اجازه دهیم از این نمادها سوء استفاده کنند.

دکتر رهنمایی: بعضی وقت‌ها ما ناخواسته و ندانسته فرهنگ غلطی را ترویج می‌کنیم. اخیراً به خصوص در جریان انحرافی که در دولت منزل گرفته، اتفاقاتی روی داد که ما برخورد کردیم تا به جریان فراماسونری رسیدیم، اما در تبیین این جریان نباید غافل شویم. بعضی وقت‌ها کاری می‌کنیم که اسباب خشنودی فراماسونری‌ها را فراهم می‌آوریم؛ چون به مصادره برخی نمادها از سوی فراماسونرها رضایت

می‌دهیم، نباید قافیه را ببازیم، نباید واکنش معکوس نشان بدهیم، نباید فرار به عقب داشته باشیم. اینها همه فرار به عقب است. ما باید به جلو هجوم بیاوریم. ما باید تبیین کنیم که اینها همه مصادره شده است. ستاره، نمادهای انسانی و اصولی؛ مصادره اینهاست. خیلی از این نمادهایی که ذکر کردم، نمادهای خنثی است و بسیاری از آن‌ها هم نمادهای ارزشی است؛ یعنی بار ارزشی دارد. اگر بتوانیم به نمادهای خنثی بار ارزشی بدهیم، باید این کار را بکنیم. آن‌ها را در جهت مثبت به کار ببندیم، نه اینکه همین‌طور رها کنیم. آن‌ها حق ندارند از یک نمادی که می‌تواند در فرهنگ دینی مطرح باشد، سوء استفاده کنند. خداوند به ستاره قسم خورده است. ما نباید بگوییم چون این، نماد فلان جریان انحرافی است، پس باید از این نماد استفاده نکنیم؛ نه این طور نیست. برابری و برادری و امثال اینها از مواردی است که خدا به آن‌ها اهمیت و ارزش می‌دهد. ما نباید اجازه دهیم از این نمادها سوء استفاده کنند و آن‌ها را به نفع خود مصادره کنند. این مثل آن است که بیایند فضای جغرافیایی ما را مصادره کنند، خانه ما را بگیرند، بعد می‌توانیم بگوییم حالا گرفتند که گرفتند؟! محیط‌های جغرافیایی را اگر گرفتند ما باید غیرت نشان بدهیم. یک وجب از خاک کشورمان را اگر گرفتند، باید غیرت نشان بدهیم. حالا فرهنگ ما را دارند تصاحب می‌کنند، غیرت نشان ندهیم؟! لذا باید سعی کنیم نمادهای خنثی را اگر می‌شود بار ارزشی بدهیم. بار ارزشی مثبت نمادها را تقویت کنیم که جوان ما هر ستاره‌ای را که دید، ذهنش معطوف به جریان انحرافی نشود. نباید به گونه‌ای باشد که جوانی که مذهبی است، تصور کند در همه جا حتی خانه و مسجد ما جریانات انحرافی رخنه کرده‌اند. او وقتی به کتیبه‌های مسجد نگاه می‌کند، باید قدمت یک سنگ کتیبه‌ای که به هفتصد سال قبل برمی‌گردد را تصور کند، نه این که فکر کند که هفتصد سال قبل فراماسونری‌ها در مسجد ما نفوذ داشته‌اند! این خطرناک است. به این مسایل خیلی بایستی توجه داشته باشیم. باید جریان انحرافی را خلع سلاح کنیم. اصلاً فرار نکنیم، نه فرار به عقب، نه فرار به جلو؛ بلکه به جلو هجوم ببریم و نمادها را از دستشان بگیریم و تبیین کنیم که اینطور نیست. بگوییم این سابقه دارد، این نماد دینی ماست. نباید منفعل عمل کنیم.

